

## اهداف و چالش‌های سازمان همکاری شانگهای

اسماعیل مختاری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان

### چکیده

از هدف‌های مهم سازمان همکاری شانگهای، مبارزه با تهدیدها و چالش‌هایی مثل تروریسم، جدایی طلبی و فراطی‌گری مذهبی است، بر همین اساس همکاری‌های مختلف منطقه‌ای شکل گرفته است. هر یک از کشورهای عضو سازمان با امید و اهدافی در ترکیب این سازمان قرار دارند، کشورهای آسیای مرکزی استفاده از امکانات اقتصادی و امنیتی چین و روسیه را برای تقویت ثبات اقتصادی و امنیتی خود مهم می‌دانند و چین و روسیه نیز اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی مهمتری دارند. سازمان همکاری شانگهای با مشکلات دیگری نیز مثل منابع آب، کمبود بودجه، فروش و قاچاق مواد مخدر، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و سیاسی و مشکلات مرزی درون کشورهای آسیای مرکزی روبرو است و همچنین نیازمندی‌های مختلف اعضاء و روابط خوب هر یک از آنها با آمریکا می‌تواند به‌عنوان عوامل تاثیرگذار بر سازمان باشد که در این مقاله به‌اختصار به آنها پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سازمان شانگهای، چالش، همکاری، اهداف.

### مقدمه

روی کار آمدن طالبان در افغانستان را باید نقطه مهمی در عرصه تحولات منطقه‌ای دانست. با به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان و ارائه چهره خاص از اسلام و گسترش قاچاق مواد مخدر و افراط‌گرایی محیط امنیتی آسیای مرکزی را تحت تاثیر قرار داد. ایران و کشورهای آسیای مرکزی به‌علت هم‌مرز بودن و اشتراک دینی در خط مقدم تهدیدات طالبان قرار داشتند.

عدم تجانس مذهبی و مقابله شدید ایران با قاچاق مواد مخدر باعث شد تا افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر به سمت شمال و کشورهای آسیای مرکزی انحراف پیدا کند. نفوذ افکار طالبانی به آسیای مرکزی علاوه بر گسترش افراط‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی، قاچاق مواد مخدر به منطقه آسیای مرکزی را تسریع کرد.<sup>۱</sup> (جانسون آلیسون، ۱۳۸۲: ۸۲)

## اهداف

یکی از روش‌های اولویت‌دار فعالیت سازمان همکاری شانگهای، همکاری در مبارزه با تهدیدها و چالش‌های جدید می‌باشد. در اجلاس تاسیسی سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ کنوانسیون شانگهای در امور تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی پذیرفته شد. اعتبار این سند از تاریخ ۲۹ ماه مارس سال ۲۰۰۳ آغاز گردیده است.

این سازمان که ابتدا با هدف‌های امنیت مرزها و کاهش نیروهای بیگانه در منطقه ایجاد شد در سند تاشکند در سال ۲۰۰۲ علاوه بر موارد فوق بر مبارزه با قاچاق مواد مخدر، حفظ اطلاعات مخفی در قالب آژانس ضد تروریستی سازمان همکاری شانگهای، همکاری با دولت کرزای و تقویت امنیت و ثبات منطقه‌ای، حفظ امنیت مرزی کشورهای همجوار و عضو سازمان و تلاش در جهت مبارزه جدی با تروریسم تاکید شد.

هم‌گرایی راهبردی روسیه و چین سیاست تدریجی گریزناپذیری است که این دو کشور از دهه ۱۹۹۰ برای تعدیل قدرت هژمونیک آمریکا، ممانعت از تک‌قطبی شدن (یا ماندن) نظام بین‌الملل، اتخاذ نموده‌اند. سیاست ناگزیر دیگر آن‌ها احتراز از مقابله جویی و برخورد با آمریکا است.<sup>۲</sup> (ثقفی عامری، ۱۳۷۶: ۲۶)

ناتوانی چین و روسیه در جلوگیری از نفوذ آمریکا در منطقه آن‌ها را بر آن داشت تا دست به تاسیس این سازمان بزنند بنابراین یکی از مهمترین اهداف این سازمان جلوگیری از نفوذ فزاینده ایالات متحده در منطقه می‌باشد. ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در ازبکستان و قرقیزستان اگر چه در آن زمان با چراغ سبز روسیه شکل گرفت ولی این تصمیم به انتخاب بین بد و بدتر تعبیر شد، چرا که روسیه می‌بایست یا آسیای مرکزی را تحت کنترل ناتو (آمریکا) قرار می‌داد، یا این که شاهد نفوذ افراط‌گرایان اسلامی (طالبان) در میان این کشورها و ایجاد چپن دومی برای مسکو می‌گردید.<sup>۳</sup>

چژان دگوان دبیر اجرایی وقت سازمان همکاری شانگهای در پاسخ به تحلیل‌گرانی که از این سازمان به‌عنوان یک بلوک نظامی یاد می‌کنند، اطمینان خاطر داد که این سازمان هیچ‌گاه به یک اتحادیه نظامی تبدیل نخواهد شد و در منشور آن چنین چیزی نیامده است. وی در این باره افزود: "تمام آنچه که ما انجام می‌دهیم منجر به ایجاد اتحادی نظامی نمی‌شوند و قصد

مبدل ساختن سازمان همکاری‌های شانگهای به یک واحد بسته نظامی نیز وجود ندارد. هیچ ابهامی در این مورد نمی‌تواند وجود داشته باشد.

در حین اجلاس سازمان همکاری شانگهای در سن پترزبورگ در ۷ ژوئن ۲۰۰۲ آیین نامه سازمان - سندی که اهداف، اصول ساختار و زمینه‌های اصلی فعالیت سازمان را تعیین می‌کند - به تصویب رسید. طبق این آیین نامه اهداف اصلی سازمان به این شرح می‌باشد:

- ۱- تقویت اعتماد متقابل بین کشورهای عضو
  - ۲- گسترش همکاری‌های گسترده جهت حفظ و تقویت صلح، امنیت و ثبات در منطقه به منظور تبدیل آسیای مرکزی به یک منطقه صلح و باثبات و حسن همجواری، تقویت اعتماد متقابل نظامی و تسریع آن، تبادل تجارب در زمینه فعالیت‌هایی به منظور حفظ صلح و برگزاری سمینارهای مناسب، تبادل نظر در زمینه همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه<sup>۴</sup>
  - ۳- مساعدت برای ایجاد نظام سیاسی و اقتصادی بین المللی جدید، دموکراتیک، عادلانه و منطقی
  - ۴- ضدیت با فعالیت‌های غیر قانونی، مقابله مشترک با تروریسم بین‌المللی، جدایی طلبی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، مهاجرت غیرقانونی و تندروی و کلیه جلوه‌های آن‌ها
  - ۵- حمایت از همکاری‌های موثر منطقه‌ای در زمینه‌های سیاسی، تجاری - اقتصادی، نظامی، دفاعی، فرهنگی، علمی و فنی، آموزش، انرژی، راه و ترابری، مالی و اعتباری و غیره که جزء منافع مشترک می‌باشند.
  - ۶- مساعدت جهت رشد اقتصادی متعادل و همه جانبه
  - ۷- توسعه فرهنگی و اجتماعی در منطقه
  - ۸- مساعدت برای تامین حقوق و آزادی‌های اصلی انسان‌ها مطابق با وظایف بین المللی کشورهای عضو و قوانین و مقررات ملی این کشورها
  - ۹- حفظ و گسترش روابط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی
  - ۱۰- امنیت منطقه‌ای، تلاش در جهت ایجاد امنیت منطقه‌ای از طریق حل و فصل مسالمت آمیز تمامی منازعات بین‌المللی در چارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل
  - ۱۱- احترام به اصل حاکمیت، دفاع از اصل حاکمیت بر اساس منشور ملل متحد، تاکید بر حق انتخاب نظام سیاسی، مدل اقتصادی و مسیر توسعه اقتصادی توسط هر کشور، حمایت از سیاست چین واحد و حمایت از دیدگاه روسیه در مورد چین
  - ۱۲- حل مشترک مسائلی که در قرن بیست و یکم پیش می‌آید.
- علاوه بر اهداف فوق از اهداف دیگری که در اجلاس تاسیس (۲۰۰۱) به آن تاکید شده است و از اهداف مهم این سازمان به‌شمار می‌رود، احترام به قرارداد موشک ضد بالستیک است.

این قرارداد که استقرار سیستم دفاع موشکی ملی را منع می کند، به عنوان اساس ثبات استراتژیک جهانی و مبنای کاهش بیشتر سلاح‌های تهاجمی به حساب می آید. اجرای این هدف نیز حمایت از پیشنهاد ازبکستان مبنی بر ایجاد، منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای مرکزی می باشد.

تاکنون موارد عدیده‌ای در خصوص اهداف تاسیس سازمان همکاری شانگهای ذکر شده است اما اهداف بنیانگذاران آن به طور مشخص به شرح زیر ارائه شده است:

### اهداف چین

- تلاش برای ایجاد جهان چند قطبی و مقابله با هژمونی آمریکا از طریق جلب دوستی روسیه
- ایجاد سدی در مقابل پیشروی ناتو تا مرزهای غربی چین
- ایجاد محیط امن پیرامونی در جهت پیشبرد اصلاحات و توسعه اقتصادی و عبور سیستماتیک از اقتصاد مرکزی به اقتصاد بازار آزاد
- ایجاد یک بلوک سیاسی جدید با محوریت خود و روسیه
- پرکردن خلاء سیاسی در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی بدون کنار گذاشتن ناگهانی روسیه
- تبدیل آسیای مرکزی به منطقه تحت نفوذ خود
- استمرار روند اعتمادسازی نظامی و تقویت همکاری‌های امنیتی
- تمایل به رهبری جهان سوم
- ایجاد تعادل در توسعه شرق و غرب کشور از طریق افزایش تجارت با آسیای مرکزی
- برآوردن نیازهای انرژی خود در چارچوب استراتژی متنوع کردن منابع تامین انرژی
- ایجاد محیطی جهت انتقال قدرت از نسل رهبران کاریزما به نسل تکنو - بوروکرات‌ها
- رهایی از دست اصولگرایان اسلامی در شمال غرب به خصوص ناحیه اویغور جمهوری خودمختار سین کیانگ که خواهان ایجاد ترکستان شرقی می باشند و با قزاق‌ها و قرقیزها مرز مشترک دارند.
- حل بحران جدایی طلبی تایوان
- کاهش فشار آمریکا و غرب جهت گسترش ارزش‌ها و اولویت‌هایشان
- افزایش سهم خود در تامین امنیت و ثبات مرزهای شمال غرب کشور
- کاهش وابستگی اقتصادی به آمریکا (حجم تجارت خارجی چین با آمریکا در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۹۲ میلیارد دلار بوده است که از این میزان حدود ۷۰ درصد سهم صادرات چین به آمریکا را تشکیل می داده است که این خود میزان آسیب پذیری اقتصاد چین را نشان می دهد.)

### اهداف روسیه

- تلاش برای کاهش موثر نفوذ غرب به ویژه امریکا و ناتو در آسیای مرکزی که تهدیدی استراتژیک برای روسیه محسوب می‌شود.<sup>۵</sup> (شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۶۷)
- تلاش برای ایجاد جهان چند قطبی از طریق فراهم آوردن وضعیتی برابر با سایر قدرت‌های بزرگ با احتساب توان چین در سازمان
- تقویت وجهه و پرستیژ بین‌المللی خود
- تعادل در فعالیت‌های غرب‌گرایانه و شرق‌گرایانه روسیه
- تقویت یکی از آسیب‌پذیرترین محیط‌های پیرامونی و امنیتی خود در شرق دور و آسیای میانه
- کمک در رسیدن به سیاست وحدت و داشتن دست برتر در کشورهای آسیای مرکزی<sup>۶</sup>
- ایجاد محیط امن پیرامونی جهت تمرکز بیشتر بر اصلاحات و توسعه اقتصادی
- جلب بیشتر همکاری‌های اقتصادی و تجاری آسیای مرکزی
- مقابله با افراطی‌گری مذهبی، جدایی‌طلبی و تروریسم بین‌المللی
- بحث گسترش ناتو به شرق
- روابط امریکا و روسیه و انتقاد کشورهای غربی به وضعیت حقوق بشر در آن کشور

### اهداف کشورهای آسیای مرکزی

- کسب درجه بیشتری از استقلال از طریق خنثی کردن نفوذ منفی چین و روسیه با یکدیگر
- کسب پرستیژ بین‌المللی از طریق حضور در نهادی چند جانبه بدون نیاز به تن‌دردادن به پیش شرط‌های سیاسی و حقوق بشری
- تقویت روند دولت‌سازی و ثبات‌سازی داخلی
- ضمانت صلح و ثبات منطقه‌ای
- استفاده از امکانات اقتصادی و تجاری چین به ویژه در بخش انرژی
- گشایش مسیر چین برای ترانزیت دوسویه کالا
- نیاز به محیط امن بین‌المللی جهت تمرکز بیشتر برای رفع مشکلات اقتصادی و ادامه اصلاحات

### مشکلات و چالش‌ها

روسیه و چین محورهای اساسی و اصلی سازمان را تشکیل می‌دهند بنابراین هر مشکلی برای هر یکی از آنها می‌تواند به‌عنوان یک چالش برای سازمان محسوب شود.

در صورت هرگونه عقب نشینی و عدم حضور نیروهای نظامی روسیه در این منطقه، راه برای گسترش ناتو به منطقه باز خواهد شد. روسیه بسیار مایل است که در منطقه وزنه تعادلی ژئوپولیتیکی در مقابل آمریکا ایجاد گردد اما هم‌زمان با همکاری تنگاتنگ با چین همواره و به صورت کاملاً جدی در فکر توسعه‌گرایی چین در آسیای مرکزی می‌باشد اما در حال حاضر ساختار مناسبات و توازن منافع بدین گونه است که مدیران روسیه و دیگر کشورهای باقی مانده از شوروی مجبورند بر تهدیدات چین چشم‌پوشی کنند زیرا به نظر آن‌ها بنیادگرایی اسلامی و امکان انتقال حکومت کشورهای آسیای مرکزی به اسلام‌گرایان تندرو خطر بسیار واقعی‌تر و نزدیک‌تری می‌باشد.

هر یک از کشورهای عضو دچار مسائل قومی، مذهبی و یا ترکیبی از این دو هستند. چین در سین کیانگ با ایغورها و در تبت با بودائی‌ها مشکل دارد. کشورهای آسیای میانه با رشد بنیادگرایی روبرو هستند. به‌علاوه وجود اقلیت‌های روس که از پشتیبانی روسیه نیز برخوردارند بر پیچیدگی مشکلات افزوده است. هرچند تنش‌های قومی بسیار حادی در طول مرزهای مشترک منطقه مشاهده نشده است ولی نگرانی از وقوع آن در منطقه وجود دارد. ازبک‌ها در تاجیکستان و قرقیزستان خواستار اتحاد با ازبکستان شده‌اند که عامل اصلی آن نه تنها وابستگی‌های قومی بلکه افزایش اهمیت اقتصادی و استراتژیک ازبکستان بوده است. تصویر ازبکستان از خود به‌عنوان مرکز "ترکستان بزرگ" تنش‌ها و ناآرامی‌هایی را در رابطه با همسایگان این کشور به‌وجود آورده است در عین حال روس تباران ساکن در بخش‌های شمال قزاقستان اعتقاد دارند که این بخش‌ها باید به روسیه ملحق شود.<sup>۷</sup> (واعظی، ۱۳۸۶: ۷۶)

در خارج از مرزهای اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع بیش از یک میلیون ازبک در افغانستان، حدود ۵۰۰ هزار نفر ترکمن در هر کدام از کشورهای ایران، عراق و ترکیه و نیز حدود دو میلیون تاجیک در افغانستان زندگی می‌کنند. در حال حاضر حدود دو میلیون قزاق در منطقه سین کیانگ چین سکونت دارند و حدود هشت میلیون ایغوری در این استان زندگی می‌کنند. این در حالی است که حدود ۲۵۰ هزار ایغوری نیز در قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان زندگی می‌کنند. ایغورها به مبارزه بلندمدت برای کسب استقلال از چین و ایجاد کشوری مستقل با عنوان "ترکستان شرقی" که شامل مناطقی از ازبکستان و قرقیزستان می‌باشد شناخته شده‌اند. ناآرامی‌های قومی در برهه‌هایی از تاریخ در استان سین کیانگ چین روی داده که چین در مواردی مجبور به استفاده از نیروی نظامی شده است. لذا مقامات چینی از افق بی‌ثباتی‌های آینده که از منطقه آسیای مرکزی نشأت گرفته شده و یا از سوی کشورهای آسیای مرکزی حمایت می‌شود احساس نگرانی می‌کنند (آیدین ۱۳۸۰: ۱۶۳-۱۶۲).<sup>۸</sup> روسیه نیز در منطقه قفقاز با مسائل قومی و جدایی‌طلبی روبرو است و از سوی دیگر رشد واگرایی از روسیه در بین

کشورهای مشترک‌المنافع و وقوع انقلاب‌های رنگین که با حمایت‌های آمریکا همراه می‌باشد، باعث شده است که روسیه تهدیدات جدی را در نزدیکی خود احساس نماید.<sup>۹</sup> (ولادمیر لوکین، ۱۷:۱۳۸۴)

بحران آب در آسیای مرکزی پس از مشکلات زیست‌محیطی که برای دریاچه آرال به وجود آمد به شدت تشدید گردیده این دریاچه که تا دهه ۱۹۶۰ چهارمین دریاچه بزرگ در جهان بود در اثر تغییرات حاصله در سیستم آبیاری منطقه‌ای و مصرف فزاینده آب آمو دریا و سیر دریا تاکنون ۴۰ درصد در سطح و ۶۶ درصد در حجم کاهش یافته است. این کاهش نه تنها باعث کاهش تولید پنبه و دیگر محصولات کشاورزی در منطقه، مشکلات شدید بهداشتی برای سکنه منطقه، انتشار نمک و ماسه در اراضی اطراف شده است بلکه باعث شده است تا سالیانه نزدیک به ۱۱ هزار کیلومتر مربع به مساحت صحراهای قره‌قوم و قزل‌قوم افزوده شود (کولایی، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۷).<sup>۱۰</sup> افزایش نرخ مرگ و میر و بیماری‌های تنفسی، کاهش طول عمر متوسط، کاهش آب آشامیدنی و افزایش نرخ مرگ و میر حاکی از وخامت زیست محیطی در آسیای مرکزی است (کیت، ۱۳۷۳: ۱۳۹).<sup>۱۱</sup>

وجود اکثر سرچشمه‌های رودها در منطقه آسیای مرکزی به نوعی باعث افزایش قدرت تاجیکستان و قرقیزستان شده است و به نوعی ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان را به کشورهایی با امنیت آبی کم تبدیل نموده است (Foroughi, 2005:215).<sup>۱۲</sup> هرچند که تاکنون درگیری شدیدی در منطقه آسیای مرکزی بر سر منابع آبی رخ نداده است لیکن به علت افزایش روز افزون اهمیت منابع آبی از یک سو و کاهش شدید منابع آبی در منطقه امکان بروز تنش منابع آب در منطقه آسیای مرکزی وجود دارد.

حقیقت این است که در حال حاضر روند بین‌المللی به میزان چشمگیری بدون مشارکت سازمان شانگهای صورت می‌گیرد. این اظهارات در خصوص وضعیت در افغانستان و تشکیل ائتلاف بین‌المللی ضد تروریستی و در ابعاد وسیع‌تر وضعیت در عراق، بالکان و سایر عناصر قوس بی‌ثباتی صحت دارد. تا آن جایی که به آسیای مرکزی مربوط می‌شود، فشار در حال افزایش از طرف قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو در حال گسترش به شرق) سازمان شانگهای را وادار می‌کند که خود را به‌عنوان یک بازیگر مستقل اعلام دارد. اهداف بیان شده در خلاء به وجود نخواهد آمد. میزان تقاضائی که نسبت به این اتحادیه جدید وجود دارد تنها به خود سازمان بستگی ندارد، بلکه در این رابطه محیط بین‌المللی مشخصی که عامل برتر در آن نفوذ اقتصادی و سیاسی غرب می‌باشد، تعیین‌کننده خواهد بود. تصمیماتی که در ارتباط با عراق، مدرن‌سازی سازمان ملل و شاخص‌های منطقه‌گرایی گرفته خواهد شد، وضعیت را روشن خواهد کرد. سبک و روش روابط بین‌المللی حاکم تعیین خواهد کرد که آیا سازمان شانگهای موثر خواهد بود یا نه؟

کمبود بودجه نیز بر فعالیت‌های سازمان‌های شانه‌های اثر خواهد گذاشت. وضعیت اقتصادی نامطلوب اکثریت اعضا مزید بر کمبود مالی شده و احتمال می‌رود که سازمان‌های شانه‌های را با مشکل مواجه سازد. دیر یا زود عوامل سیاسی داخلی مربوط به عوض شدن نخبگان سیاسی و ویژگی فرهنگ سیاسی خاص منطقه نیز تاثیرگذار خواهند بود. احتمال دارد که عواملی چون ظرفیت‌های متفاوت مالی اعضا، مسائل مرزی و همچنین ویژگی فرامرزی بودن جنبش‌های جدایی طلب، عدم سوابق اداری و مدیریتی و غیره باعث ایجاد ناسازگاری روانی بین اعضا شود. علاوه بر این، اساس محکم اقتصادی نیز برای ایجاد فضای مشترک ژئو استراتژیکی سازمان‌های شانه‌های وجود ندارد. عواملی مانند مبارزه با تروریسم بین‌المللی، سرمایه‌گذاری‌های تجاری، دسترسی به اطلاعات و همچنین سیاست غرب که از مجاری روابط عمدتاً دو جانبه با هر کدام از اعضای سازمان‌های شانه‌های استفاده می‌کند، از متحد شدن کشورهای عضو در قبال مسائل کلیدی جلوگیری می‌نماید. (الکساندر، پیشین، ۹)

محور اصلی فعالیت سازمان همکاری‌های شانه‌های، همکاری در زمینه امنیت می‌باشد. در غرب پیرامون این سازمان به خصوص در واشنگتن دو نگاه وجود دارد: نگاه دشمنانه و نگاه بی‌تفاوت. عده‌ای می‌گویند که از طریق سازمان‌های شانه‌های، چین و روسیه تلاش خواهند کرد که با ایجاد اتحاد ضد آمریکایی به آرزوی دستیابی به نیروی متقابل با آمریکا، برسند. عده‌ای هم معتقدند که سازمان‌های شانه‌های خطری ایجاد نمی‌کند، اهمیتی ندارد و نتیجه تلاش‌های بیهوده تبلیغاتی پکن و مسکو، در جهت ارتقای اعتبار بین‌المللی خود می‌باشد که به ندرت می‌توانند نقشی را در تلاش‌های ائتلاف ضد تروریستی به ریاست آمریکا ایفا کنند.

هیچ کدام از این دو نظر یاد شده پایه و اساس محکمی ندارند. از یک طرف سازمان‌های شانه‌های هرگز به اتحاد ضد آمریکایی تبدیل نخواهد شد. ایجاد چنین اتحادی بر خلاف همه اسناد رسمی سازمان و از آن مهمتر برخلاف منافع اعضای سازمان است که به همکاری با آمریکا و غرب به خصوص برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی خود بسیار علاقه‌مند هستند. این نظر هم در روسیه و هم در چین و کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد که مایل نیستند در اختلافات قدرت‌های برتر به پول خرد تبدیل شوند.

مبارزه با تولید و فروش مواد مخدر محور دیگری است که کشورهای عضو سازمان‌های شانه‌های نسبت به آن رویکرد متفاوت خاص خود را دارند. بعد از آن که ایران سخت‌گیری زیادی را در قبال قاچاق مواد مخدر به اروپا اتخاذ کرد قاچاقچیان به دنبال راه‌هایی که هزینه‌های کمتری برای انتقال مواد مخدر دارد برآمدند. بهترین راه جایگزین در دهه ۱۹۸۰ شوروی بود زیرا آسیب‌پذیری آن افزایش یافته بود. با فروپاشی شوروی و نابسامانی‌های مترتب با آن و وضعیت منطقه آسیای مرکزی انگیزه‌های قاچاقچیان را برای انتقال مواد مخدر از این مسیر را



افزایش داد. تجارت مواد مخدر علاوه بر آلوده ساختن منطقه آسیای مرکزی باعث افزایش تعداد جرایم سازمان یافته و قاچاق اسلحه در منطقه گردید. شکاف درآمد همراه با تنزل شدید اقتصادی و از بین رفتن شبکه تامین اجتماعی موجب سوق داده شدن مردم به سوی تجارت مواد مخدر شد. (آیدین، ۱۳۸۰: ۱۷۱)

در این کشورها نظر استواری وجود دارد که وضعیت تولید مواد مخدر در افغانستان با آمدن نیروهای ائتلاف ضد تروریستی به میزان چشمگیری، بدتر شده است. دولت افغانستان با وجود حمایت نیروهای نظامی خارجی برای بهبود وضعیت فعلی، یا مایل نیست و یا نمی‌تواند کاری انجام دهد. همزمان با این وضعیت، قاچاق مواد مخدر افغانی به این کشورها افزایش یافته و خطری جدی برای امنیت آن‌ها ایجاد کرده است. کریم‌اف، رئیس جمهور ازبکستان در سخنرانی خود در حین اجلاس سران کشورهای سازمان همکاری آسیای مرکزی در مه سال ۲۰۰۴ ناراضی خود را در خصوص عملیات ائتلاف ضد تروریستی در افغانستان اعلام کرد و گفت که پس از سقوط رژیم طالبان حجم تولید تریاک در افغانستان سال به سال افزایش می‌یابد که منبع مالی تروریسم بین‌المللی است. رئیس جمهور تاجیکستان، تاکید کرد که پس از آغاز عملیات ضد تروریستی تولید مواد مخدر ۲/۵ برابر افزایش یافته است. اظهار داشت که این مشکل نه فقط مشکل ماست بلکه مشکل غرب هم می‌باشد.<sup>۱۳</sup> در این خصوص موافقتنامه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در زمینه همکاری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مواد روانگردان و مواد اولیه آن‌ها که در ژوئن سال ۲۰۰۴ در تاشکند به امضا رسید از اهمیت زیادی برخوردار است.

مشکلات مرزی درون کشورهای آسیای مرکزی را نیز نباید نادیده گرفت بر اساس واقعیات موجود، مرزهای ملی فعلی در آسیای مرکزی در نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ به‌طور یک‌جانبه از سوی شوروی تعیین شدند و در سال‌های بعد مسکو به جز تغییرات اندک به هیچ‌یک از جمهوری‌های منطقه حق بازنگری اساسی در این زمینه را نداد. با وجود قاطعیت کرملین هر از چند گاهی مسائل و درگیری‌های مرزی در آسیای مرکزی بروز می‌کرد که بخش قابل توجهی از این درگیری‌ها در منطقه فرغانه\* که بخش مهمی از ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان را دربر می‌گیرد به‌وقوع می‌پیوست.<sup>۱۴</sup> این کشورها بر سر ۵۰ منطقه مرزی با یکدیگر دچار اختلاف هستند، ازبکستان در بسیاری از مناطق مرزی مشترک با تاجیکستان و قرقیزستان اقدام به مین‌گذاری نموده است<sup>۱۵</sup> گسترش مناسبات منطقه‌ای در قالب سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری شانگهای می‌تواند در این اختلافات کمک نماید. مسائلی نظیر امنیت، مبارزه با تروریسم بین‌المللی، چالش‌ها و خطرات جدید، اغلب به دلیل وضعیت افغانستان در اولویت فعالیت سازمان شانگهای قرار گرفته‌اند.

\* - Farghana

آگاهان سیاسی معتقدند، مهم‌ترین چالش پیش روی سازمان همکاری شانگهای در سطح فرامنطقه‌ای و بین‌المللی سیاسی - امنیتی است که از سوی بازیگران عمده نظام بین‌الملل و دیگر سازمان‌های مشابه، متوجه آن است. اروپا در کنار ایالات متحده در ردیف بازیگرانی هستند که به دلایل متعدد بیشترین ناخرسندی را از تشکیل این سازمان و توسعه جایگاه آن خواهند داشت. به نظر می‌رسد این سازمان منافع این بازیگران را خدشه دار کند و از نفوذ آن‌ها در این منطقه مهم و استراتژیک بکاهد. از طرف دیگر در کنار این دولت‌ها، سازمان‌ها و پیمان‌هایی نظیر سازمان همکاری و امنیت اروپا و ناتو نیز به دلایلی که ریشه در فلسفه وجودی، کارکردهای تعریف شده و ساختار تشکیلاتی آن‌ها دارد، سازمان شانگهای را یک رقیب جدی ارزیابی کرده که در صدد به چالش کشیدن آن هستند. علاوه بر چالش فرامنطقه‌ای به نظر می‌رسد چالش منطقه‌ای و درونی هم دخیل است. همان تجربه و سابقه ناامیدکننده تاریخی از همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند یکی از چالش‌ها باشد. دیگری اهداف و اولویت‌های متفاوت و بعضاً متعارض برخی از اعضا است، روابط خوبی که تمام اعضای عضو و ناظر به جز ایران با آمریکا دارند می‌تواند سازمان همکاری شانگهای را در رسالت خود ناکام جلوه دهد یا این که حداقل به صورت یک سازمان منفعل باقی بگذارد.

بر اساس اظهارات آقای یوهونگ یوان (از محققین موسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای) در مورد سازمان همکاری شانگهای: سازمان با چالش‌هایی روبرو است، اولین آن‌ها این است که چگونه باید با هر گونه مداخله و سلطه نظامی و ایدئولوژیک آمریکا در آسیای مرکزی مقابله کرد؟ به بهانه جنگ علیه تروریسم، آمریکا نفوذ نظامی و سیاسی خود را در منطقه توسعه داده است. سازمان‌های غیردولتی مورد حمایت آمریکا نفوذ خود را در مناطق شهری و محلات افزایش می‌دهند. از نظر نهادی این سازمان هنوز ضعیف و پراکنده است، دبیرخانه سازمان از بودجه و پرسنل کافی برخوردار نیست. منافع خود سازمان روشن نیست. سازمان نباید صرفاً متمرکز بر منافع روسیه و چین باشد بلکه باید بر منافع آسیای مرکزی تمرکز نماید. چالش سوم سازمان نحوه برقراری تعامل با دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، آسه آن، کشورهای مشترک‌المنافع و... است. سازمان شانگهای قبل از آن که بتواند ترتیبات امنیتی خاص خود را پدید آورد باید به تعامل با دیگر سازمان‌ها و رژیم‌های موجود بپردازد. چهارمین مساله چگونگی گسترش سازمان است. سازمان شانگهای به عنوان یک سازمان نیرومند در پی حفظ و گسترش صلح، ثبات و امنیت در منطقه است. امروزه کشورهای بیشتری خواهان عضویت کامل در آن هستند<sup>۱۶</sup>. و پذیرش عضویت از دیگر مسائل سازمان است.

موضوع مهم دیگر این است که اگرچه سازمان شانگهای به عنوان عامل متوازن کننده و پیمانی مقابل پیمان ناتو ارزیابی شده است لکن مساله این است که در صورت انحراف سازمان

شانگهای به سمت نظامی‌گری در واقع در همان جهتی به پیش خواهد رفت که واشنگتن خواهان آن است و در حقیقت نوعی مسابقه تسلیحاتی را در چارچوب جدیدی بر دنیای معاصر تحمیل می‌کند. راهکار صحیح آن است که به جای اقدام برای تولید و بازتولید پیمانی معادل پیمان ناتو زمینه‌های سیاسی - تبلیغاتی نیرومندتری برای فروپاشی پیمان ناتو، فراهم گردد. حال آن که با جهت‌گیری احتمالی سازمان شانگهای به سمت نظامی‌گری فضای مناسبات فیما بین و حتی فضای مناسبات بین‌المللی شدیداً به یک فضای بسته تبدیل می‌شود که فقط نظامی‌گری و دیدگاه‌های امنیتی بر آن حاکم خواهد شد و جنگ سرد جدیدی میان ناتو و شانگهای را به همراه می‌آورد.<sup>۱۷</sup>

### نتیجه‌گیری

شرایط دول منطقه پس از فروپاشی شوروی بستری را فراهم نمود که بر اساس آن کشورهای منطقه را حول یک محور با عنوان سازمان همکاری شانگهای گرد آورد. مرزهای شوروی و چین همواره پرتنش و حتی در مقاطعی بحرانی بودند، اختلافات مرزی آن‌ها پس از فروپاشی همچنان پابرجا بود. اولین تلاش‌ها برای حل این مساله در اواسط دهه ۹۰ صورت گرفت. اما حدود یک دهه طول کشید تا مسائل مرزی دو طرف حل و فصل گردد. رویکرد نگاه به شرق رهبران جدید روسیه از جمله پریماکف و عملگرایی حاکم بر دستگاه سیاست‌گذاری چین که همواره خواهان رفع تنش‌ها و تشنجات که به‌منظور تداوم رشد اقتصادی ضروری بود زمینه‌های لازم را در دولتمردان طرفین برای حل مسائل مرزی و ایجاد فضای حسن نیت و تفاهم فراهم نمود. از ابتدای تاسیس جمهوری خلق چین، این کشور با معضلات و چالش‌هایی پیرامون مرزها، جزایر، مناطق تحت کنترل دول استعماری گذشته و اختلافات ارضی با همسایگان روبرو بوده است. در این بین مهمترین مساله برای چین، تایوان است که حمایت‌های تسلیحاتی آمریکا و قراردادهای امنیتی منعقد شده بین این کشور و حاکمان این جزیره بر پیچیدگی این مساله افزوده و خشم چینی‌ها را در پی داشته است. اختلافات ارضی با هند موجب سردی روابط طی چند دهه شد اما با درایت رهبران چین به بحران‌های گسترده منجر نگردید. در داخل نیز کشور چین با جدایی طلبان تبت و سین کیانگ مواجه است. کشورهای آسیای میانه اغلب آمادگی استقلال را نداشتند زیرا اولاً هیچگاه در گذشته کشور مستقلی نبودند و تجربیات لازم را برای ایفای نقش یک بازیگر در عرصه بین‌المللی نداشتند ثانیاً فاقد زیرساخت‌های ضروری اقتصادی و سیاسی به‌منظور رفع نیازمندی‌ها و مایحتاج جامعه و ایجاد ثبات و امنیت اجتماعی بودند. کشورهای آسیای مرکزی دارای نگرانی‌های فراوانی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند. اما مهمترین دغدغه این کشورها مباحث امنیتی است.

کشور روسیه نیز که با امواج گسترده‌ای از معضلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روبرو بود هرگز توانایی کمک به کشورهای آسیای میانه را نداشت. بنابراین خلاء ایجاد شده در منطقه، سایر قدرت‌های جهانی (آمریکا و اروپایی) را تشویق به حضور در منطقه نمود. آنچه حضور آمریکا را در منطقه بیش از هر عامل دیگری توجیه نمود موج ایجاد شده برای مبارزه با تروریسم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بود. حمله به افغانستان تحت حاکمیت طالبان نیازمند حمایت‌های منطقه‌ای بود که آسیای میانه به خاطر مجاورت با افغانستان بهترین انتخاب بود. کشورهای منطقه که نیازمند کمک‌های غرب بودند پایگاه‌هایی را به این منظور در اختیار آمریکا گذاشتند.

روسیه و چین نیز از موج ایجاد شده بر علیه تروریسم برای سرکوب نمودن چپ‌ها و ایغورها نهایت بهره را بردند. حضور آمریکا در منطقه، یکه تازی این کشور در عرصه بین‌المللی، روسیه و چین را در موضع واحدی قرارداد و آن‌ها خواهان ایجاد جهانی چندقطبی شدند. مقابله با حضور آمریکا در منطقه و گسترش ناتو به سمت شرق، تقویت مواضع چین و روسیه در مقابل هژمونی آمریکا و از سوی دیگر کشورهای آسیای میانه نیز با انگیزه‌های تداوم صلح و ثبات، توسعه اقتصادی، مبارزه با افراطیون مذهبی و تروریسم و همچنین استحکام در برابر موج انقلاب‌های رنگین موجب شد سازمان همکاری شانگهای توسط این کشورها تاسیس گردد. طبیعی است که کشورهایی همچون چین (عضو دائم) و هند (عضو ناظر) برای تامین بهداشت، درمان، آموزش، امنیت و خوراک چنان جمعیت‌های انبوهی نخواهند توانست ایدئولوژیک باشند و به دنبال همکاری با کشورهای دیگر از جمله بیش از همه با آمریکا به‌عنوان ابر قدرت جهانی خواهند بود و منابع خود را بیشتر در ادغام شدن در اقتصاد جهانی و پیوستن در فرایند جهانی جست‌وجو خواهند کرد. جهان آینده جهانی اقتصادی است و جهانی نظامی‌گری نخواهد بود، اگر برخی از کشورها بخواهند با اندیشه‌های ایدئولوژیک در این سازمان حضور داشته باشند، امکانی برای همکاری نخواهد بود. مهم‌تر این‌که سازمان و ادامه همکاری اعضای آن بسیار مبهم و امکان انحلال آن یا دگرگونی در ساختار، اعضا و قلمرو بسیار محتمل است. نبود سازوکار پذیرش اعضای جدید و تبدیل عضو ناظر به عضو اصلی از مدت‌ها پیش با تقاضای ایران برای ارتقای وضعیت ناظر به وضعیت عضو اصلی چالشی برای سازمان بوده و نه می‌توانند پاسخ منفی و نه مثبت بدهند. این موضوع معطوف به آینده سازمان است که اعضای اصلی به‌ویژه چین و روسیه را به خود مشغول داشته است. مشکلات پاکستان و امکان تجزیه آن و آینده افغانستان و همچنین وضعیت ترکمنستان و از سویی دیگر ساز مخالف ازبکستان به‌عنوان کشوری تاثیر گذار و محوری در عرصه این سازمان می‌تواند آینده سازمان را دگرگون کند. مخالفت ازبکستان و قزاقستان با تاجیکستان و قرقیزستان برای سد کردن آب‌های خروجی

به سوی این دو کشور از چالش‌های مهم سازمان است. موافقت روسیه با احداث سد و ارائه اعتبارات مورد نیاز طرح‌های مهار به کشورهای یاد شده، خشم ازبکستان را برانگیخته است. روی آوردن ازبکستان به سوی همکاری با امریکا برای مقابله با روسیه و تاجیکستان و قرقیزستان و مشارکت نکردن در اجلاس‌های سازمان امنیت دسته جمعی با روسیه همگی نشان از آینده‌ای ناروشن از سازمان است که سازمان را با چالش‌های بزرگ روبرو کرده است. از این رو باید از هرگونه امیدواری به شکل‌گیری سازمانی عریض و طویل با سازوکارهای مقابله با غرب همچون جبهه‌بندی دوره جنگ سرد، دوری کرد.<sup>۱۸</sup>

### منابع

- ۱- جانسون، لنا، روی آلیسون، ۱۳۸۲، "امنیت در آسیای مرکزی، ترجمه محمد رضا دلیری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۲- ثقفی عامری، ناصر، "سیاست امنیتی روسیه"، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای میانه و قفقاز، شماره ۳۱، پاییز ۷۶
- 3- <http://www.bashgah.net/page-10047.html>
- 4- <http://www.english Peopledaily.com.cn/2000/07/06.p1>.
- ۵- ابوالحسن شیرازی، حبیب ا...، "نقش و منافع غرب در قفقاز و آسیای مرکزی"، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۲، زمستان ۷۹.
- 6- Stephen J.Blank, **The Strategic Conctect of Russo-Chinese ,Issues & Studies**; July Agust 2000; Taipei; Taiwan.
- ۷- واعظی، محمود، ۱۳۸۶، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۸- آیدین، مصطفی، "ریشه‌های داخلی بی‌ثباتی در آسیای مرکزی و قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۰.
- ۹- الکساندر ولادیمیر و ویچ لوکین، "سازمان همکاری شانگهای شکل‌گیری و دورنمای توسعه"، ترجمه تیوا کامران، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، شهریور ۸۴.
- ۱۰- کولایی، الهه، ۱۳۸۴، بازی بزرگ در آسیای مرکزی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۱- کیت، مارتین، زمستان ۱۳۷۳، "محیط زیست آسیای مرکزی تراژدی فراموش شده"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷.
- 12- Foroughi, payam, "Transboundary Water Use , Internationa Security , and Confilict Management in Cental Asia" , Amu Darya , Vol.18,winter 2005
- 13- <http://www.cdf.gov.kg/ru/news/analytical/?id=738>
- ۱۴- بیک محمد، قاسم، "اختلاف ورزی در آسیای مرکزی" در سایت [www.iransharghi.com](http://www.iransharghi.com)
- 15- [www.iransharghi.com](http://www.iransharghi.com)
- ۱۶- گزارش دومین میز گرد مشترک موسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۶.
- 17- <http://www.basirat.it/ news.aspz?newsid=12227>
- ۱۸- بهرام، امیر احمدیان، "تضاد منافع در شانگهای" روزنامه اعتماد ملی، ۶ تیر ۱۳۸۸ (27 jun 2009).